

## نویسنده آذری: "گفتند مرد گریه نمی کند" با خندانن مردان، همه چیزمان را گرفتند!

وصال حتم اف با نوشته ای انتقاد آمیز به حوادث و رخدادهای اخیر جمهوری آذربایجان پرداخته که توجه به آن خالی از لطف نیست

g/سرویس آذربایجان  
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان

به گزارش آران نیوزوصال حتم اف از نویسندگان جمهوری آذربایجان با نوشته ای انتقاد آمیز به حوادث و رخدادهای اخیر جمهوری آذربایجان پرداخته که توجه به آن خالی از لطف نیست. در این نوشته که در سایت بیرلیک منعکس شده است چنین آمده است:

محسن صمداف دخترانش زهرا و نرگس کوچولو را به آغوش می کشید، دستان مادر پیرش را که برای اولین بار به دادگاه آمده بود می بوسید و با خواهرانش نیز احوالپرسی می کرد. « واقف عبدالله اف نیز نوه ی پسر اش " علی " را که هنوز یکسالش تمام نشده و تولدش را در زندان شنیده بود به آغوش می گرفت و به دخترانش می گفت: " از من نگران نباشید" و به آنها تسکین می داد.

فردوسی محمدرضایف پسر بزرگش را که تازه خدمت سربازی را به اتمام رسانده را می بیند و به قد و قامتش افتخار می کند و برای بوسیدن پسر ته تغاری اش دو زانو می نشیند.

دیانت صمداف نیز دستان مادر و خواهرش را گرفته و بر آنها بوسه می زند.

روح الله آخوندزاده نیز به جوانانی که به نیابت از پسرانش از شهر آستارای آذربایجان آمده بودند احوالپرسی می کند و با صدای بلند سلامی گرم می دهد

برای ملاقات با فرامیز عباس اف نیز افراد زیادی آمده بودند، با متانت و صبوری خاصی دست راستش را بر سینه نهاده و به همه سلام می کند، با همه افرادی که به ملاقاتش آمده بودند دست می دهد و همین افراد نیز دست این سید را می بوسند. »

وقتی با جملات بالا در مقاله ی خانم آی نور ایمان اوا روبه رو شدم ناخودآگاه چشمانم پر اشک شد اما برای مدت زمان کوتاهی، زیرا ندایی از قلم برخاست: " شاید خداوند از ما اشک چشم نه، بلکه جاری شدن خونمان را می خواهد؟! از این فکر نیز زود گذشتم؛ "ای بابا اگر ما خون می ریختیم به خاطر فاجعه خوجالی می ریختیم!"

اما، باز هم می خواهم فکر کنم؛ به نظرت، سبب این مظلومیت ما در چیست؟! خداوند می گوید اگر برای ظالم یک لعنت باشد برای مظلوم هزار لعنت است، چون ظالم را مظلوم ظالم می کند.

به فکرم عبارتی افتاد که زود به زود به کار می گیریم؛ به مردانی که به مظلومیت های عاشورا گریه می کردند ایراد می گرفتند که " مرد گریه نمی کند"، اما امروزه من به افرادی که این عبارت را مطرح می کردند سرزنش می کنم، زیرا به خاطر حرفها و تبلیغات آنها که مردم را به عیش و نوش و خنده های سبک و دور از عزت و مردانگی دعوت می کردند ما درد بزرگی به نام قره باغ را فراموش کرده ایم! ارمنی ها هزاران بلا را بر سر زنان و نعروسان مان می آورند، و ما خندان خندان می گوئیم که می گویند رژه همجنسبازان برگزار خواهد شد! مرد نمی خندد، حکمت حرفهای بزرگان در این بود.

نگذاشتند با گریه و زاری کردن اراضی اشغالیمان را باز پس گیریم - امروزه خندان خندان می گریانند مادرانمان را!

خندان خندان از دست دادیم ارزشهای ملی معنوی مان را؛ فرهنگ ملی و هویت ملی مان را، حرف مرد یکی است: گرسنه باش ولی مرد باش! اتیکت های مردانگی و شایستگی به مردانی داده شد که در لباس زنانگی خندان خندان به نقش آفرینی در جلوی دوربین ها هستند، و الآن نیز خندان خندان منتظر رژه همجنسبازان هستیم. اما یک چیز دقیق است: اما به دنبال این خنده ها خداوند ما را سخت گریان خواهد کرد، همانطور که شوروی ها محرم را از دستان گرفتند و گفتند: مردم گریه نمی کند، خندیدیم و خندیدیم بالاخره در قره باغ مادرانمان را گریاندند و الآن هم این " یورویژن" مادرانمان را گریان خواهد گذاشت. من مرده شما زنده، خواهی دید.

وصال حتم اف - بیرلیک